

شکل‌گیری ارجاع در متون، نمونه مورد بررسی رمان دوبلینی‌ها: مقایسه متن انگلیسی و دو ترجمه فارسی آن^۱

سامیه نظری^{۱*}، ارسلان کلفام^۲

۱. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت: ۹۱/۱۰/۶

پذیرش: ۹۲/۲/۱۵

چکیده

در مقاله حاضر، در چارچوب نظریه انسجام هلیدی^۲، نحوه توزیع مقوله‌های ارجاعی و انواع آن در دو متن ترجمه‌شده از کتاب *دوبلینی‌ها*^۳ اثر جیمز جویس و خود کتاب را بررسی و متن مبدأ و متون مقصد را با یکدیگر مقایسه کردیم. هدف از انجام این پژوهش، شکل‌گیری ارجاع در متون رمان *دوبلینی‌ها* و مقایسه متن انگلیسی و دو ترجمه فارسی آن، بررسی علمی و کاربرد انواع ارجاع در متن مقصد، مقایسه انواع ارجاع در متن مبدأ و مقایسه کاربرد ارجاع در دو متن ترجمه از یک متن واحد است؛ به همین منظور، از تحلیل تقابلی^۴ برای شناخت ماهیت ترجمه استفاده کردیم. در روش تحلیل تقابلی، دو زبان در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند، سطوح مختلف آوایی و واژگانی و نحوی و به‌طور کلی ساخت دستوری آن‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها سنجیده می‌شود. آنچه در این مطالعه مطرح نظر است، چگونگی عملکرد ارجاع در متون ترجمه، مقایسه آن با متن مبدأ و نیز چگونگی شیوه‌های رخداد ارجاع و تفاوت این شیوه‌ها در متون ترجمه است.

واژگان کلیدی: انسجام، ارجاع، مرجع، پیش‌مرجع، پس‌مرجع، بیرون‌مرجع، درون‌مرجع، الگوهای ارجاعی.

دوماهنامه جستارهای زبانی
شماره (پیاپی ۲۵)، مهر و آبان ۱۳۹۴، صص ۳۰۷-۳۲۴

E-mail: snazari1971@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:



۱. مقدمه

مطالعات ترجمه^۵ تاریخچه‌ای طولانی دارد و تا قرن بیست‌ویکم نیز ادامه یافته است. ترجمه بازنویسی متن اصلی است که گذشته از منظور مترجم، مسیر ادبیات جامعه را به‌نحوی خاص دستکاری می‌کند (گنتزler، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

زبان‌شناسان با توجه به حوزه‌های مطالعاتی خود (آوا، تکواژ و دستور)، از دیدگاه خاصی به متن زبان (اعم از گفتاری و نوشتاری) توجه کرده‌اند. این حوزه‌ها از یکدیگر تفکیک شده‌اند و هر یک جلوه و ظهور خاصی از زبان را مطالعه کرده‌اند. در این میان، مباحث مربوط به ترجمه از نگاه زبان‌شناسی^۱ اهمیت ویژه‌ای دارد. دلیل اصلی این ادعا این است که مطالعات ترجمه، افزون‌بر پرداختن به سه حوزه زبانی مذکور، از نگاهی ویژه و متفاوت با سه حوزه واج‌شناسی، دستور و معناشناسی، زبان را بررسی می‌کنند؛ یعنی مطالعات ترجمه از دیدی بالاتر به زبان می‌نگرد؛ به طوری که به‌ظاهر، هر سه حوزه مذکور ذیل آن می‌گنجد. نکته مهم این است که این حوزه (به‌ویژه بخش دستور و معناشناسی) در ترجمه درون یک نظام و در پیوند با یکدیگر بررسی می‌شوند.

در این مقاله، می‌خواهیم با نگاهی فراتر، یعنی از نگاه متن^۶ (به‌عنوان شبکه معنایی متشکل از پیوندهای معنایی و روش تحلیل متن)، شکل‌گیری انسجام در متن را بررسی کنیم. گفتنی است که انسجام به صورت‌های مختلفی در متن شکل می‌گیرد که یکی از روش‌ها بحث ارجاع^۷ و نقش آن در انسجام متن و نیز کمک به روشن شدن مسائل سبک‌شناختی در مطالعات تطبیقی ترجمه است. در همین راستا، در این نوشته می‌کوشیم به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که ارجاع به‌عنوان یک پدیده متن‌ساز چگونه در دو زبان فارسی و انگلیسی (از مسیر مقایسه ترجمه مورد نظر) بازنمایی می‌شود. به‌نظر می‌رسد که سازکار عمومی سامان‌دهی مفهوم ارجاع به‌صورت بنیادی در هر دو زبان از یک الگوی کلی پیروی می‌کند.

بررسی چگونگی ارجاع، تداوم آن، تغییر آن در متن ترجمه و تعیین ارجاع متناسب نیز از موارد مهم دیگری هستند که تاکنون به آن‌ها در متون داستانی ترجمه‌شده توجه نشده است؛ بنابراین، جای چنین تحقیقی در ادبیات داستانی ترجمه‌ای خالی است. از طرفی، اهمیت پرداختن به معناشناسی در مطالعات ترجمه نیز کمک می‌کند که بدانیم بخش بزرگی از گفتار ما فقط بیان

حقایق نیست؛ بلکه دربرگیرنده ارزیابی‌ها است (پالمر، ۱۹۷۴: ۶۷). همچنین، رویکردهای متفاوت مترجمان در ترجمه عناوین، اسامی، ضمائر و عبارات ارجاعی دیگر می‌تواند به آفرینش متنی با خصوصیات زبانی جدید منجر شود. بررسی این تفاوت‌ها در ترجمه‌های متفاوت از یک اثر و اصل متن، در تحلیل متن و بررسی جنبه‌های معنایی متون ترجمه اهمیت دارد.

به همین منظور، در این مطالعه چگونگی طبقه‌بندی عبارات ارجاعی باکمک دیدگاه‌های معنایی و نقشی (انواع ارجاع در فارسی)، چگونگی شیوه‌های رخدادهای ارجاع در متون ترجمه و تفاوت‌های انواع ارجاع در دو ترجمه دوبلینی‌ها را بررسی می‌کنیم.

روش تحلیل این داده‌ها آماری و جامعه آماری این تحقیق شامل پنج داستان از مجموعه دوبلینی‌ها است که به‌طور تصادفی، ۱۳۵ جمله از آن‌ها را انتخاب کردیم. از آنجا که این جملات در دو ترجمه آن‌ها نیز بررسی شده‌اند، کل جملات تحلیل شده ۴۰۵ جمله در سه کتاب است. با توجه به اینکه ارجاع در نظریه‌های هالیدی از زیرمقوله‌های انسجام دستوری است، در این مطالعه کوشیدیم که با بررسی ارجاع، تفاوت‌های شیوه‌های ترجمه دو متن فارسی را تبیین کنیم. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند که شیوه‌های کاربرد ارجاع در این سه متن متفاوت هستند و بسته به نویسنده و داستان، از انواع مختلف ارجاع استفاده شده است. درنهایت، شیوه‌های ارجاعی مختلف در ترجمه‌های دو مترجم ناشی از دید متفاوت آن‌ها به روایت و داستان قلمداد شده است.

با توجه به اهمیتی که ترجمه به‌مثابه رشته‌ای کاربردی دارد، هدف این پژوهش بررسی علمی این حوزه است که در محدوده نظری مشخص اهداف زیر را تأمین کند:

- کاربرد انواع ارجاع در متن^۱ مقصد؛
 - مقایسه انواع ارجاع در متن مبدأ؛
 - مقایسه کاربرد ارجاع در دو متن ترجمه از یک متن واحد.
- در راستای رسیدن به اهداف بالا، پرسش‌های زیر را مطرح می‌کنیم:
۱. چگونه می‌توانیم عبارات ارجاعی را باکمک دیدگاه‌های معنایی و نقشی طبقه‌بندی کنیم؟
 ۲. چه نوع ارجاع‌هایی در فارسی وجود دارد؟
 ۳. شیوه‌های رخدادهای ارجاع در متون ترجمه چگونه است؟
 ۴. تفاوت‌های انواع ارجاع در دو ترجمه دوبلینی‌ها چگونه قابل تبیین است؟



۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه بر تحلیل‌های کمی^{۱۰} استوار است. در تحلیل محتوا به‌جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش درمورد آن، به ارتباطاتی که آنان به‌وجود آورده‌اند و پیام‌هایی که ردوبدل کرده‌اند توجه می‌شود و درمورد آن‌ها پرسش‌هایی مطرح و تحلیل می‌شود.

هانت^{۱۱} تحلیل محتوا را فن شمارش تعداد دفعاتی می‌داند که انواع مختلف کلمات، عبارات، اندیشه‌ها یا تصورات در یک متن خاص ارتباطی، ظاهر می‌شوند. هانت همچنین مدعی است که هدف تحلیل محتوا قرار دادن مقادیر کمی به‌جای داورهای شهودی درمورد اهمیت محتوای متون است (هانت، ۱۹۸۵: ۲۶).

در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده کرده‌ایم. از آنجا که پرویز داریوش از بین پانزده داستان کوتاه متن مبداء، تنها ده داستان را ترجمه کرده است، از بین ده داستان موجود در ترجمه داریوش، پنج داستان را به‌طور تصادفی انتخاب کردیم. البته با توجه به تغییر زاویه دید در داستان‌های متفاوت و با توجه به ساختار ترتیب این داستان‌ها از نظر جویس، تصمیم گرفتیم که از داستان‌های اول، وسط و آخر کتاب، یعنی از هر سه داستان، یک داستان را به‌طور تصادفی انتخاب کنیم.

جامعه آماری تحقیق حاضر از پنج داستان تشکیل شده که از هر داستان دو صفحه و نیم انتخاب شده است. جمله واحد تحلیل و مرز جمله نقطه پایان جمله است؛ بنابراین، طول جملات و تعداد آن‌ها در این پنج داستان متفاوت است. درنهایت، از داستان خواهران ۳۱ جمله، از داستان عربیه (عربی) ۳۰ جمله، از داستان دو ولگرد (دو زن‌نواز) ۲۸ جمله، از داستان همپالکی‌ها (همتایان) ۲۰ جمله و از داستان مردگان ۲۶ جمله در نمونه جای گرفتند. به این ترتیب، جملات انتخاب‌شده از متن اصلی ۱۳۵ عدد است. از آنجا که این جملات در دو ترجمه آن‌ها نیز بررسی شده‌اند، کل جملات تحلیل‌شده ۴۰۵ عدد در سه کتاب است.

ارجاع در گفتمان^{۱۲} و براساس رویکرد نقش‌گرا، توسط سه مقوله از تعبیرات اسمی صورت می‌گیرد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۰).

این تعبیرات عبارت‌اند از: اسامی خاص، عبارات اسمی و ضمایر. هریک از این مقوله‌ها می-

توانند زیرمقوله‌هایی داشته باشند؛ مثلاً زیرمقوله‌های اسامی خاص ممکن است که نام یا نام خانوادگی و یا عنوان باشد. عبارات اسمی ممکن است نکره یا معرفه باشند. این مقولات در ترجمه از یک متن به شکل‌های گوناگون ظاهر می‌شوند. ابزار و شیوه پژوهش حاضر برای مشخص کردن تفاوت و شباهت ارجاعات متن اصلی دوبلینی‌ها با دو ترجمه موجود آن (پرویز داریوش و محمدعلی صفریان)، مقایسه کردن یک‌یک جملات در سه متن است. شیوه کار بدین صورت است که استراتژی‌های مترجمان در برگرداندن یک داستان را به‌طور کامل با متن انگلیسی مقایسه کردیم تا شباهت‌ها و تفاوت‌های شیوه برگرداندن مقولات ارجاعی در دو ترجمه به زبان فارسی را درمقایسه با یکدیگر و نیز با متن انگلیسی داستان آشکار کنیم. همچنین، تفاوت‌ها و شباهت‌های مقولات ارجاعی در متن‌ها را دوبه‌دو مقایسه کردیم؛ یعنی متن ترجمه صفریان با متن انگلیسی دوبلینی‌ها، متن ترجمه داریوش با متن انگلیسی دوبلینی‌ها، دو متن فارسی با یکدیگر و دو متن فارسی با متن انگلیسی. در این بخش، به‌جای اینکه از هر داستان چند سطر یا صفحه را انتخاب کنیم، کل یک داستان را تحلیل کردیم تا عوامل سبک‌شناسی در ترجمه ارجاعات را بررسی کنیم. برای بررسی دقیق‌تر بخش‌های تحلیل‌شده داستان، کدگذاری کردیم؛ به این صورت که با مرجع قرار دادن دوبلینی‌های جیمز جویس، به هر مقوله ارجاعی که در ادامه معرفی کردیم یک عدد اختصاص دادیم. به این ترتیب، در جملات مشابه در دو کتاب ترجمه، این مقوله‌ها را نیز کدگذاری کردیم و ساخت کدهای مشابه در سه کتاب را آوردیم.

تعداد و درصد ارجاعات و تعیین نوع آن‌ها، مشخص کردن وضعیت آن‌ها نسبت به مرجع (پیش‌مرجع، پس‌مرجع)، تعیین بسامد آن‌ها با توجه به موقعیت مرجع آن‌ها نسبت به متن (درون‌مرجع، برون‌مرجع) به‌طور کلی، به تفکیک و همچنین به‌طور مقایسه‌ای در سه کتاب مواردی هستند که در این آمار به‌طور کلی سنجیده شده‌اند.

۳. پیشینه تحقیق

هارفورد^{۱۳} ارجاع را رابطه بین عناصر زبانی، نظیر واژه، جمله و ... از یک سو و تجربیات غیرزبانی جهان خارج از سوی دیگر، می‌داند (Hurford, 2007: 26). پالمر^{۱۴} مصداق و روابط



ارجاعی را عنصر اساسی مطالعات معناشناسی می‌نامد. وی می‌نویسد: «ما دو گونه معناشناسی داریم؛ یکی به ساخت معنایی می‌پردازد و دیگری معنا را برحسب تجربیات غیرزبانی جهان خارج مورد بررسی قرار می‌دهد» (Palmer, 1974: 61). اهمیت این موضوع هنگامی آشکار می‌شود که بدانیم در زبان اصطلاحاتی وجود دارد که به کمک اصطلاحات دیگر قابل توصیف نیستند و تنها برحسب رویدادهای پیرامون ما تفسیر می‌شوند. شاخص‌ها^{۱۵}، مانند ضمائر (من، تو و ...)، ضمائر یا صفات اشاره (این، آن) و قیود زمان (حالا، فردا)، از جمله مهم‌ترین این واژه‌ها هستند؛ زیرا این کلمات نمی‌توانند به کمک عبارات یا صورت‌های دیگری که نشان‌دهنده جهان واقعی، زمان یا شنونده و گوینده هستند، تفسیر شوند. کروز^{۱۶} معتقد است که یک نظریه معنایی که فقط بر مبنای مفهوم و روابط درون‌زبانی استوار است، در اصول هم نمی‌تواند به مبحثی همچون شاخص‌ها و عبارات ارجاعی^{۱۷} پردازد و تنها نظریه‌ای که رابطه میان زبان و جهان خارج را بپذیرد، توانایی انجام چنین کاری را دارد (Cruse, 2000: 305).

رضویان از دیدگاه ساختارگرایی بیان می‌کند که ارتباط همه عناصر سازنده واحد با مجموعه و روابط عناصر با یکدیگر تحلیل می‌شود و هیچ‌یک از سازه‌های این واحد ارزش مستقل، دلالت مستقل و حیات مستقل ندارند و در هیچ ساختاری، عنصر خودمختار وجود ندارد (رضویان، ۱۳۹۰: ۳۵).

صلح‌جو در کتاب *گفتمان و ترجمه*، متن را حاصل گفتمان معرفی می‌کند (صلح‌جو، ۱۳۸۱: ۸) و معتقد است که کلام و متن نباید معادل با هم به کار روند. او می‌گوید که فرهنگ از جمله عوامل اصلی شکل‌دهنده گفتمان است و همین عامل در ترجمه از یک زبان به زبان دیگر مشکل‌آفرین است. از آنجا که جوامع فرهنگ‌های متفاوتی دارند، گفتمان دو زبان هیچ‌گاه نمی‌تواند همانند یکدیگر باشند؛ از این رو، انتقال پیام از زبانی به زبان دیگر مستلزم دستکاری قواعد گفتمانی است (همان، ۷۷).

مطالعات ترجمه به دو شاخه کلی محض و کاربردی تقسیم می‌شود و حوزه‌ای میان‌رشته‌ای به شمار می‌رود که علاوه بر زبان‌شناسی، علوم ارتباطات، فلسفه و محدوده وسیعی از مطالعات فرهنگی را دربر می‌گیرد. آندره لفرور^{۱۸} از مطالعات ترجمه به عنوان رشته مستقل در رویارویی با مسائل مربوط به تولید و توصیف متون ترجمه‌شده یاد کرده است (Lefevere, 1978: 65). تا چند دهه پیش، صورت تجویزی بررسی‌های ترجمه، یعنی وضع

قوانین لازم‌الاجرا برای ترجمه، بر صورت توصیفی آن غالب بود؛ اما در مقوله واحد ترجمه و مفهوم انتقال، وینی^{۱۹} و داربلنت^{۲۰} و بعدها کتفورد^{۲۱} و دیگران خط‌کشی و تقسیم‌بندی توصیفی-زبان‌شناختی اجزا و فرآیند ترجمه را آغاز کردند. این بررسی‌های تئوریک بیشتر به تحلیل ساختارگرایانه ترجمه گرایش داشتند (گنتزler, ۱۳۸۰، ۹۱).

حتمین و ماسون^{۲۲} درمورد ترجمه از زبان انگلیسی به زبان‌های دیگر، به انتقال ساخت‌های انگلیسی به آن‌ها اشاره می‌کنند. آن‌ها بیان می‌کنند که بسیاری از زبان‌های دنیا درمقابل انگلیسی موقعیتی فرودست دارند و همواره چنین است که زبان برتر خصوصیات خود را به زبان‌های فروتر تحمیل می‌کند که این خصوصیات الگوهای زبانی-کلامی هستند (Hatmin & Mason, 1997: 173).

یارمحمدی برای مشخص کردن تفاوت ارجاعات متن اصلی با ترجمه، یک‌یک جملات را در چهار کتاب با متن ترجمه‌شده انگلیسی این کتاب‌ها مقایسه کرده است. وی می‌گوید که درمقایسه معلوم می‌شود که متن اصلی با متن ترجمه همانند است و یا متفاوت و درصورت تفاوت نیز استراتژی‌هایی که مترجم در معادل‌گذاری ارجاعات به‌کار برده است، مشخص می‌شود. وی می‌گوید که محقق می‌تواند تک‌تک تشابهات را فهرست کند و همچنین تک‌تک تفاوت‌ها و بعد نسبت این دو را به‌دست آورد که می‌تواند از جهات مختلف آموزنده و روشن‌گر باشد. در این تحقیق، یارمحمدی ضمن برشمردن مؤلفه‌های ارجاعی، صراحت هر یک را نیز دربرابر مقوله‌های دیگر تعیین کرده است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۷).

۴. مبانی نظری

در این بخش، مباحث نظری مطرح درزمینه انسجام و ارجاع در چارچوب نظریه هالیدی و حسن را مطرح می‌کنیم. بخش اصلی پژوهش حاضر به بررسی مسائل مربوط به ارجاع اختصاص دارد که از زیرمقوله‌های انسجام دستوری است.

۴-۱. انسجام^{۲۳}

ریچاردز^{۲۴} (۱۹۹۲) روابط دستوری یا واژگانی بین عناصر یک متن را انسجام می‌نامد. انسجام ممکن است روابط بین جمله‌های مختلف یا روابط بین بخش‌های مختلف یک جمله باشد. تجزیه و تحلیل‌های روابط انسجامی در متن به ما کمک می‌کند که بدانیم نویسندگان چگونه



مطالب و منظور خود را تنظیم می‌کنند. باید توجه کنیم که قواعد قراردادی انسجام از زبانی به زبان دیگر متفاوت است و همین ممکن است که یکی از دلایل دشواری ترجمه نیز باشد. انسجام تنها در اثر حضور عبارات ارجاعی به وجود نمی‌آید؛ بلکه حضور هم‌زمان عبارات ارجاعی مرجع باعث انسجام می‌شود. یکسانی ارجاع نیز تنها رابطه‌ای معنایی نیست که به متنتیت^{۲۵} می‌انجامد و تنها راه بیان هم‌مرجعی نیز فقط مشخص بودن ضمیر نیست. از دیدگاه هالیدی و حسن، گره اصطلاحی است که به یک مورد انسجامی اطلاق می‌شود (Halliday & Hasan, 1976: 2-6)؛ یعنی اصطلاحی برای وقوع یک جفت مقوله‌ای که انسجامی دارند. مفهوم گره به ما کمک می‌کند که متن را به اعتبار خصوصیات انسجامی آن تحلیل کنیم؛ مانند نمونه زیر:

- شش سیب را بشویید و هسته آن‌ها را بیرون آورید. آن‌ها را داخل ظرف نسوزی بگذارید.
«آن‌ها» در جمله دوم به «شش سیب» در جمله اول اشاره دارد و همین نقش اشاره‌ای یا ارجاعی به دو جمله بالا انسجام بخشیده است.

هالیدی و حسن انسجام را به انواع زیر تقسیم کرده‌اند:

۱. انسجام دستوری؛

۲. انسجام واژگانی؛

۳. انسجام پیوندی.

آنان انواع انسجام دستوری را تحت عنوان «ارجاع»، «جانشینی» و «حذف» معرفی کرده‌اند.

۲-۴. ارجاع

منظور از ارجاع ویژگی خاص پاره‌ای از کلمات است که به خودی‌خود قابل تفسیر نیستند و برای تعبیر معنا به عناصری دیگر اشاره می‌کنند؛ به سخن دیگر، ارجاع رابطه‌ای است که طی آن، تعبیر مقوله‌ای خاص براساس خصوصیات معنایی آن مقوله صورت نگیرد؛ بلکه برای این منظور به مقوله دیگری رجوع شود. بر این اساس، دو نوع ارجاع وجود دارد:

- ارجاع درون‌متنی^{۲۶}: تعبیر این عناصر به خود متن وابسته است و این عناصر گره‌های انسجامی را در داخل متن تشکیل می‌دهند.

- ارجاع برون‌متنی^{۲۷} (موقعیتی): تعبیر این عناصر به بافت موقعیت وابسته است.

هلیدی و حسن عناصر ارجاعی یا ضمائر را در زبان انگلیسی به سه دسته زیر تقسیم می‌کنند:

۱. ارجاع شخصی؛
۲. ارجاع اشاره‌ای^{۲۸}؛
۳. ارجاع مقایسه‌ای^{۲۹}.

ارجاع شخصی و مقایسه‌ای رابطه هم‌مرجعی را نشان می‌دهند؛ یعنی بارها به یک مصداق ارجاع داده می‌شود. ارجاع مقایسه‌ای رابطه تقابلی را بیان می‌کند. در ارجاع مقایسه‌ای، مقوله‌ای را که بدان ارجاع داده شده است می‌شناسیم؛ به این دلیل که چارچوب ارجاعی وجود دارد که آن چیز را متفاوت یا همانند با چیزی که ذکر شده می‌کند، نه به این دلیل که قبلاً بارها به آن ارجاع داده شده است. ارجاع مقایسه‌ای همانند ارجاع شخصی ممکن است پس‌مرجع باشد (Halliday & Hasan, 1976: 293).

۳-۴. عبارات ارجاعی: فرآیند کاربردشناختی در کلام

اگرچه در مورد ارجاع و عبارات ارجاعی از جنبه‌های مختلف در فلسفه و زبان‌شناسی بحث نشده است، بیشتر فرآیند ارجاع در گفتمان را فرآیندی کاربردشناسی می‌دانند؛ زیرا فرآیندی است که دربردارنده گوینده، قصد و دانش او است. گیون^{۳۰} معتقد است که ارجاع در گفتمان موضوعی کاربردشناختی است؛ زیرا گوینده هر گفتمانی را به قصد خاصی ایجاد می‌کند و به موجودات آن عالم گفتمان ارجاع می‌دهد یا نمی‌دهد (Gibbons, 1997: 45). به نظر می‌رسد که در زبان، قصد ارجاعی گوینده دستور ارجاع را کنترل می‌کند.

۴-۴. متن و بافت در کلام

تحلیل کلام نشان می‌دهد که بین ساخت و نقش رابطه متقابلی وجود دارد. منظور از ساخت این است که کلام را به‌عنوان یک واحد زبانی بزرگ‌تر از جمله در نظر بگیریم؛ اما نقش بر کاربرد زبان به‌منظور اهداف اجتماعی، بیانی و ارجاعی دلالت دارد. از نظر براون و یول، زبان دارای دو نقش است:

۱. نقش انتقالی^{۳۱}: فلاسفه زبان و زبان‌شناسان مهم‌ترین نقش زبان را انتقال اطلاعات می‌-



دانند. زبان در نقش انتقالی، اطلاعات واقعی یا گزاره‌ها و یا پیام را منتقل می‌کند. در اینجا، نقش زبان بیان محتوا است.

۲. نقش تعاملی^{۳۲}: زبان در ایجاد ارتباطات اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند و تمایز میان ساخت و نقش موجب تمایز بین متن و بافت^{۳۳} می‌شود. متن و بافت در تعیین محتوای ارتباطی^{۳۴} مؤثر هستند (Schiffrin, 1994: 362- 363).

۴-۵. معناشناسی

آنچه در این پژوهش مورد نظر است، معناشناسی زبانی نام دارد. این‌گونه معناشناسی بخشی از دانش زبانی به‌شمار می‌رود و از اصطلاح *semantique* فرانسه ریشه می‌گیرد که نخستین‌بار آن را برآل معرفی کرد. در معناشناسی زبانی، به خود زبان توجه می‌شود و معناشناسی با مطالعه معنا به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان است و دراصل بازنمودهای ذهن آدمی را بازمی‌کاود. این شیوه مطالعه معنا را رهیافتی بازنمودی^{۳۵} می‌نامند (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۸).

۵. توصیف و تحلیل داده‌ها

نتایج پژوهش نشان می‌دهند که در مجموع در این ۴۰۵ جمله تحلیل‌شده، ۱۶۱۹ مقوله ارجاعی وجود داشته است که ۱۳۹۱ مقوله (معادل ۸۵/۹ درصد آن‌ها) ارجاع شخصی و ۱۴/۱ درصد باقی‌مانده ارجاع اشاری بوده‌اند. وضعیت این ارجاعات با توجه به متغیر مرجع این‌گونه است که ۵۸۸ (۳۶/۳ درصد) از این مقولات ارجاعی فاقد مرجع درون‌متنی بوده‌اند؛ یعنی مقوله ارجاعی به مصداقی در خارج از متن اشاره داشته است و مرجع آن مقوله در متن وارد نشده است. معمولاً در داستان‌هایی که راوی اول شخص بوده است، از بین ضمیری که به راوی ارجاع می‌دادند، ۱۴۲ مورد (۸/۸ درصد) پس‌مرجع، ۸۸۹ مورد (۵۴/۹) پیش‌مرجع و ۵۸۸ مورد (۳۶/۳ درصد) فاقد مرجع درون‌متنی بوده‌اند.

نسبت مقولات ارجاعی با موقعیت (درون‌مرجع، برون‌مرجع) به‌ترتیب به‌صورت زیر است: ۶۳/۶ درصد از مقولات ارجاعی جامعه آماری درون‌مرجع و ۳۶/۴ درصد آن‌ها برون‌مرجع

هستند.

در این قسمت، یک نمونه از شیوه ارجاع متفاوت دو ترجمه صفریان و داریوش را با متن جیمز جویس ذکر می‌کنیم:

The man entered Mr. Alleyne s room.

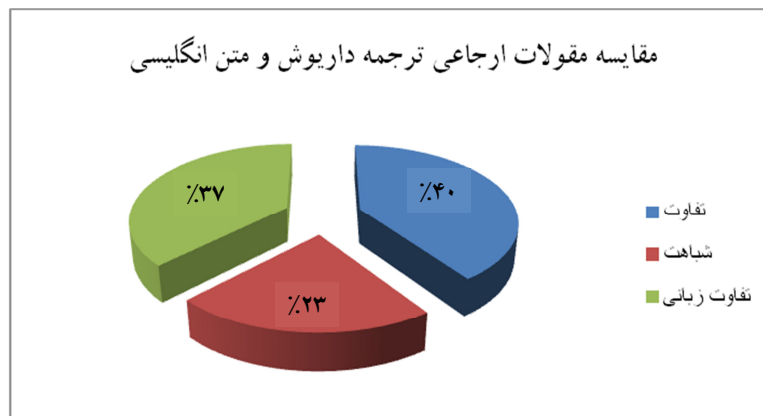
داریوش: **فارینگتون** وارد اتاق آقای آلدین شد.

صفریان: **آن مرد** وارد اتاق آقای آلدین شد.

۵-۱. مقایسه نحوه توزیع الگوهای مقولات ارجاعی در متن انگلیسی با ترجمه داریوش از ۱۷۴ مقوله ارجاعی یکسان کدگذاری شده در متن داستان همپالکی‌ها (همتایان)^{۳۶}، مجموعاً ۷۰ الگوی متفاوت ارجاعی، ۳۹ الگوی مشابه و ۶۵ الگوی متفاوت به دلیل تفاوت ساخت زبانی استخراج کردیم؛ به سخن دیگر، با توجه به شکل ۱، مترجم با انتخاب الگوهای دیگر، ۴۰ درصد از الگوهای مقولات ارجاعی را که جویس در متن داستان به کار برده، به فارسی برگردانده است. در ۲۳ درصد از انتخاب‌ها، مشابهت کامل الگوهای ارجاعی وجود دارد و سرانجام ۳۷ درصد از تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های ساختی دو زبان است.

He returned to his desk in the lower office and took up his pen

داریوش: **فارینگتن** به دفتر در طبقه پایین بازگشت و قلم خود را برداشت و در جوهر فروبرد.



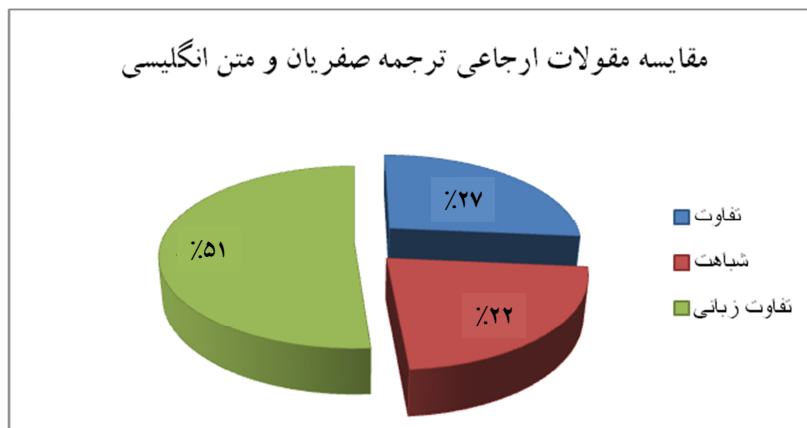
شکل ۱ مقایسه مقولات ارجاعی ترجمه داریوش و متن انگلیسی



۲-۵. مقایسه نحوه توزیع الگوهای مقولات ارجاعی مقایسه متن انگلیسی با ترجمه صفریان

براساس شکل ۲، مترجم ۲۷ درصد از الگوهای مقولات ارجاعی را متفاوت با الگوهای انتخابی جویس برگزیده است، به اندازه ۲۲ درصد از الگوهای مشابه استفاده کرده است و ۵۱ درصد از تفاوت‌ها به تفاوت‌های زبان مبدأ با مقصد مربوط است.

صفریان: آن مرد به پشت میزش در طبقه پایین بازگشت و قلمش را برداشت و در جوهر فروبرد.



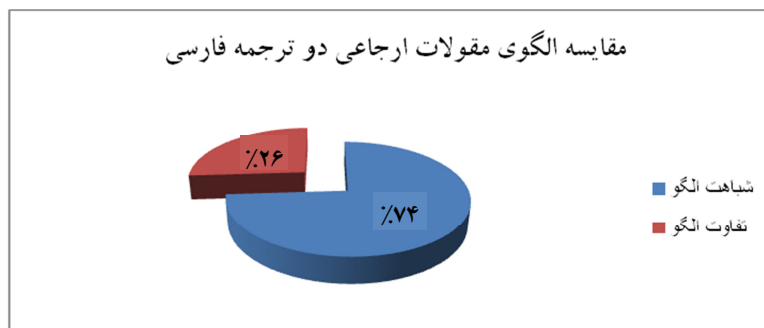
شکل ۲ مقایسه نحوه توزیع الگوهای مقولات ارجاعی مقایسه متن انگلیسی با ترجمه صفریان

۳-۵. مقایسه نحوه توزیع الگوهای مقولات ارجاعی: مقایسه دو متن ترجمه فارسی با یکدیگر

همان‌طور که در شکل ۳ می‌بینیم، ۷۴ درصد از الگوها مشابه یکدیگر انتخاب شده‌اند و تنها ۲۶ درصد الگوی متفاوت از سوی مترجمان انتخاب شده است. آشکار است که تفاوت الگوهای ارجاعی به معنی انتخاب یکسان در سطح واژه نیست و این دو مترجم از واژه‌های متفاوتی بهره گرفته‌اند.

داریوش: فارینگتن وارد اتاق آلدین شد. در همین لحظه، آقای آلدین که مردی با هیكل کوچک

بود و عینک دورطلایی می‌زد و صورتش را پاک تراش کرده بود، سرش را از روی یک دسته اوراق و اسناد بلند کرد. صفریان: آن مرد وارد اتاق آقای الاین شد. در همین لحظه، آقای الاین، مردی کوچک‌اندام که عینکی دورطلایی در صورت بیخ‌تراش او خودنمایی می‌کرد، سرش را از روی دسته اوراق و اسناد بلند کرد.

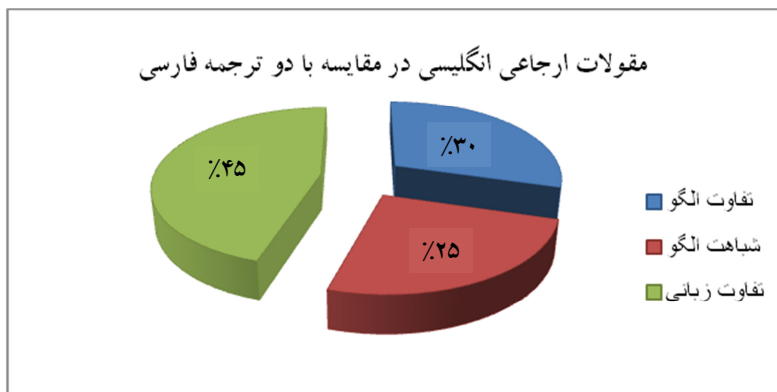


شکل ۳ مقایسه نحوه توزیع الگوهای مقولات ارجاعی: مقایسه دو متن ترجمه فارسی با یکدیگر

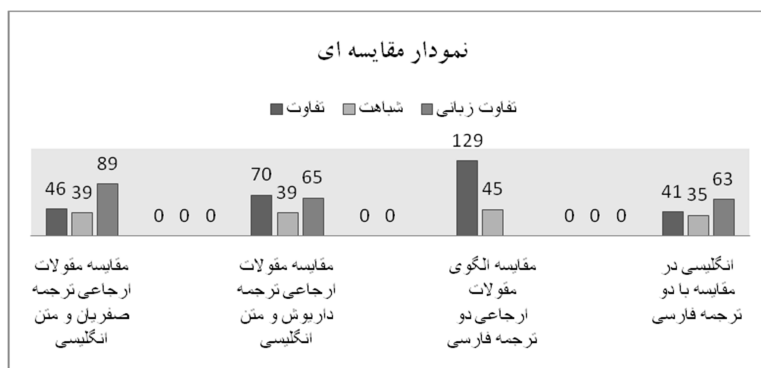
۴-۵. مقایسه نحوه توزیع الگوهای مقولات ارجاعی در دو متن ترجمه فارسی با متن

انگلیسی

در این مقایسه، الگوهای کاملاً مشابه در سه متن براساس کدهای مشترک و الگوهای متفاوت در سه متن انتخاب شده‌اند و در صورت شباهت کدها در دو متن، آن کد از آمار حذف شده است. طبق شکل ۴، ۴۵ درصد موارد ناشی از تفاوت ساخت زبان فارسی و زبان انگلیسی است، نه تفاوت انتخاب مترجمان در مقوله ارجاعی؛ یعنی مترجم الگوی مقوله‌ای مشابه با الگوی مقوله‌ای انگلیسی انتخاب کرده است. ۳۰ درصد مربوط به تفاوت انتخاب الگو از سوی مترجمان است و ۲۵ درصد باقی‌مانده نشان‌دهنده الگوهای مشابهی است که مترجمان در برگرداندن مقوله‌های ارجاعی زبان انگلیسی به‌کار برده‌اند.



شکل ۴ مقایسه نحوه توزیع الگوهای مقولات ارجاعی در دو متن ترجمه فارسی با متن انگلیسی



شکل ۵ مقایسه مقولات ارجاعی در داستان همتایان (همپالکی‌ها)

همان‌طور که این نمودار نشان می‌دهد، در تمام موارد مقایسه‌ای، بیشترین درصد به ساخت الگوهای مربوط است که ناشی از تفاوت بین‌زبانی هستند، نه انتخاب متفاوت مترجمان. با این حال، میزان ساخت‌های متفاوتی که هر دو مترجم برگزیده‌اند، در مقایسه با ساخت‌ها و الگوهای مشابه کمتر است.

نمونه جویس: The bell، حرف تعریف + اسم عام

داریوش: صدای زنگ، گروه اسمی (عام)

صفریان: صدای زنگ، گروه اسمی (عام)

جمع‌بندی مطالب بالا نشان می‌دهد که ارجاع شخصی بیشترین تعداد را در سه متن داشته است. با این حال، جویس از انواع ارجاع (شخصی و اشاره‌ای) بیشتری استفاده کرده است. تعداد کل ارجاع (شخصی و اشاره‌ای) در ترجمه صفریان بیشتر از داریوش است؛ اما داریوش از ارجاع اشاره‌ای بیشتری درمقایسه با صفریان استفاده کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

پس از مقایسه مقولات ارجاعی، انواع الگوهای ارجاعی و رابطه بین مقولات ارجاعی و مرجع آن‌ها در چارچوب نظری هالیدی در دو ترجمه از متن دوبلینی‌های جیمز جویس و با توجه به آمار به‌دست‌آمده و بررسی‌های انجام‌شده نتیجه می‌گیریم که الگوهای تکرارشونده مقولات ارجاعی و شباهت زیاد این الگوها در دو زبان بسیار چشمگیر است. درمورد الگوهای ارجاعی، هم تفاوت و هم شباهت در سطح دو زبان وجود دارد. شباهت‌ها بیشتر در نحوه ترجمه اسمی خاص، عنوان‌ها و عنوان به‌اضافه اسم خاص نمود دارد. شیوه‌های رخداد ارجاع که به پرسش سوم تحقیق مربوط است، بسته‌به نویسنده و نوع داستان در سه متن متفاوت است؛ یعنی نوع ارجاع (شخصی، اشاره‌ای) و موقعیت مرجع (درون‌مرجع، بیرون‌مرجع) و نوع مرجع (پیش‌مرجع، پس‌مرجع) با توجه به نویسنده/ مترجم و نوع داستان با یکدیگر تفاوت دارند و می‌توانیم بگوییم که علت تفاوت ترجمه‌های متفاوت از متن دوبلینی‌های جویس است. در همه موارد مقایسه‌ای، بیشترین درصد به ساخت الگوهای ارجاعی مربوط است که ناشی از تفاوت بین‌زبانی هستند، نه انتخاب متفاوت مترجمان. با این حال، ساخت‌های متفاوتی که هر دو مترجم برگزیده‌اند، درمقایسه با ساخت‌ها و الگوهای مشابه کمتر است.

بنابر آمار ارائه‌شده، آن دسته از تفاوت‌های الگوهای مقولات ارجاعی در سه متن که ناشی از تفاوت ساخت دو زبان است، به انتخاب و نحوه نگاه مترجم بستگی ندارد؛ اما برخی از تفاوت‌های الگویی مستقیماً از تلقی و نوع برخورد مترجم با دنیای متن و داستان ناشی می‌شود. عدول از الگوهای ارجاعی نویسنده و انتخاب الگوهایی متفاوت -مثلاً در مواردی که نویسنده از



ضمیمه استفاده کرده، یکی از مترجمان از گروه اسمی و دیگری از اسم خاص بهره برده است - را می‌توانیم ناشی از نگاه متفاوت مترجمان به داستان بدانیم.

۷. پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است که نوع کار کاربردی نیست و به دنبال یک نوع کار برای ترجمه بهتر نیستیم. در این مقاله، می‌کوشیم موضوع ارجاع در بستر دو زبان فارسی و انگلیسی را بررسی کنیم. تردیدی نیست که انجام چنین کاری به شکل مقایسه‌ای باید در مسیر ترجمه یک اثر در زبان دیگر طی شود.

2. Halliday
3. *Dubliners*
4. contrastive analysis
5. translation
6. linguistics
7. text
8. reference
9. references in Text
10. content analysis
11. M. Hunt
12. discourse
13. Hurford
14. Palmer
15. deictics
16. Cruse
17. referential expressions
18. Lefeverre, A.
19. Winnie
20. Darblnt
21. Katford
22. Hatim (Hatmin & Mason, 1997)
23. cohesion
24. Richards
25. textuality
26. endophoric
27. exophoric
28. demonstrative
29. comparative
30. Gibbon
31. transactional
32. interactional

- 33. context
- 34. communicative content
- 35. representational
- 36. counterpart

۸. منابع

- جویس، جیمز (۱۳۸۸). *دوبلینی‌ها و نقد دوبلینی‌ها*. ترجمه صالح حسینی و محمدعلی صفریان. تهران: نیلوفر.
- جویس، جیمز (۱۳۸۴). *دوبلینی‌ها*. ترجمه پرویز داریوش. تهران: اساطیر.
- رضویان، حسین. (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی روایت در داستان‌های کوتاه: رویکرد نقشگرا براساس الگوی سیمپسون*. پایان‌نامه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- صفوی، کورش (۱۳۸۳). *معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- صلح‌جو، علی (۱۳۸۱). *گفتمان و ترجمه*. تهران: مرکز.
- گنتزler، ادوین (۱۳۸۰). *نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر*. ترجمه علی صلح‌جو. تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.

References:

- Cruse, A. (2000). *Meaning In Language*. Oxford: Oxford.
- Gentzler, E. (2002). *Contemporary Translation Theories*. Translator by: A. Solhjo. Tehran: Hermes Publication [In Persian].
- Gibbons, R. (1997). "An introduction to applicable game theory". *The Journal of Economic Perspectives*. Vol. 11 No.1. (Winter 1997).
- Halliday, M. & J. Gibbons (1990). *Learning Keeping and Using Language*. John Benjamin.
- Halliday, M.A.K. & R. Hasan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Halliday, M.A.K. (1971). *Linguistics Function and Litrary Style: An Inquiry into the Language of Willian Golding's the Inheritors*. Chatman (ed): Oxford University Press.



- Hatmin, B. & I. Mason (1997). *The Translator as Communicator*. London and New York: Rotledge.
- Hunt, M. (1985). *Profile of Social Research: The Scientific Study of Human Interactions*. New York: Russel Sage Foundation.
- Hurford, J. (2007). *The Origins of Meaning: Language in the Light of Evolution*. Oxford. Oxford University.
- Joyce, J. (1914). *Dubliners*. Publication: Bantam Dell, New Yourk.
- Joyce, J. (2005). *Dubliners*. Translator by: P. Dariush. Tehran: Asatir Publications [In Persian].
- ----- (2009). *Dubliners and Dubliners Criticism*. Translated by: S. Hosseini & M.A. Safaryan,. Tehran: Nilofar [In Persian].
- Lefevere, A. (1978). *Translation: The Focous of the Growth of Litrary Knowledge*. Leuven, Belgium: Van Den Broeck.
- Palmer. F.R. (1974). *Semantics*. London: Longman.
- Razavian, H. (2011). *Narrative Stylistics in Novel: A Functional Approach based on Simpson Paradigm*. Ph.D. Dissertation Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University [In Persian].
- Richards, J.C. et al. (1992). *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*. (Second edition) Harlow. Essex: Longman Group UK Limited.
- Safavi, K. (2004). *Semantics*. Tehran: Soreh Mehr [In Persian].
- Schiffrin, D. (1994). *Approaches to Discourse*. Oxford and Cambridge: Blackwell.
- Sohlju, A. (2002). *Discours and Translation*.Tehran :Markaz [In Persian].
- Yar Mohammadi, L. (2004). *Current and Critical Discourse*. Tehran: Hermes [In Persian].